



یاد کردی از شهید بهروز پازوکی از نخستین شهدای عملیات مرصاد

بزرگ‌ترین پاداش رادر آخرین حضور گرفت



شهید بهروز پازوکی نظر سست‌شود

کنند، اما با مخالفت پدر رویه‌ر شدند. پدرش با اطمینان می‌گفت گنج بگیرید آن‌دش‌شاءالله خوب می‌شود و بر خلاف نظر همگان خوب هم شد. بهروز با پای شکسته در مراسم تدفین برادر حاضر شد و سخنرانی‌گرایی کرد. پدرش حاج مصطفی نیز در جبهه حضور داشت و جانباز شیمیایی شده بود. حاج مصطفی مدت‌های مدیدی را در جبهه‌ها گذرانند و در بیمارار۵ «شلمچه» توسط بعضی‌ها حین عملیات کربلای۵ شیمیایی شد، پس از آن نیز دست از حضور در جبهه‌ها برنداشت و تا پایان جنگ در منطقه ماند. شهید بهروز پازوکی، دل‌تنگ برادر و دوستان شهید در عملیات‌های مختلف با تمام وجود حاضر می‌شد و هراسی از جانبازی و شهادت نداشت، وقتی

شد. او با هدف مقدس دفاع از میهن و بیرون راندن دشمن اشغالگر آمده بود تا آخرین قطره خونش را در این راه بدهد. از خانواده‌شان او تنها نبود. برادرانش نیز در جبهه حضور داشتند و پا به پای دیگر رزمندگان در عملیات‌های مختلف می‌جنگیدند. برادرش اسدالله جانشین لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) و مسئول آموزش نظامی این لشکر بود و پس از سال‌ها حضور در جبهه در عملیات والفجر ۸ در منطقه عملیاتی فاو به شهادت رسید. شهید اسدالله پازوکی فرمانده گردان حمزه بود و بهروز پنج سال در جبهه در گردان برادرش خدمت کرد. سه بار مجروح شد و بار آخر یکی از پاهایش بد جوری شکستگی پیدا کرده بود طوری که می‌خواستند آن را قطع

تنها شهید اروپایی دفاع مقدس در عملیات مرصاد آسمانی شد

شهید کورسل از منافقین نفرتی عمیق در دل داشت



شرکت می‌کنند و در کنار دیگر انقلابیون به فعالیت می‌پردازد. شهید کورسل آشنایی نسبی با منافقین و اقدامات تروریستی‌شان داشت. او به خاطر همین شناخت اصرار بر حضور در عملیات مرصاد و نبرد با منافقین داشت. وقتی در سال ۱۳۶۰ منافقین وارد دشمنی مسلحانه با مردم ایران می‌شوند، رهبران این سازمان و تعدادی از اعضایش به فرانسه می‌روند. کمال می‌دانست منافقین یک گروهک تروریستی هستند که

یادکرد

شهید سعید صفاری پس از بارها جانبازی

در ششم مرداد ۱۳۶۷ به آرزویش رسید

عملیات مرصاد

پایانی بر فراق برادر و دوستان شهیدش بود

بود و فرماندهان با وجود مجروحیت‌های بدنش به او اجازه اعزام مجدد را نمی‌دادند. ناصر صفاری در جریان عملیات بزرگ کربلای ۵ در منطقه شلمچه به درجه رفیع شهادت نائل آمد و این شهادت دل‌تنگی و فراق سعید را بیشتر از همیشه کرد. یکی از رزمندگان دوساله راه حال و هوای شهید صفاری و دوستانش در آن روزها چنین می‌گوید: «بعد از عملیات کربلای ۵ و ۸ و قبل از نصر ۷ در منطقه سر‌دست، شهید دادن دوستانمان در عملیات‌های کربلای ۵ و کربلای ۸ بسیار ناراحت بودیم.» شهید صفاری در عملیات بیت‌المقدس ۲ بدن خسته‌اش بار دیگر مجروح حتی بر داشت و این بار دلشکسته‌تر از همیشه از اینکه چرا خدا او را پیش خود نمی‌خواند بسیار ناراحت بود. صفاری تنها یک خواسته از خدا داشت و آن هم شهادت بود. گاهی به دوستانش می‌گفت شاید من لیاقتش را ندارم که خدا من را پیش خود نمی‌خواند. اما عملیات مرصاد قرار عاشقی دیگری بود.



شهید صفاری در عملیات بیت‌المقدس ۲ بدن خسته‌اش بار دیگر مجروح حتی بر داشت و این بار دلشکسته‌تر از همیشه از اینکه چرا خدا او را پیش خود نمی‌خواند بسیار ناراحت بود. صفاری تنها یک خواسته از خدا داشت و آن هم شهادت بود. گاهی به دوستانش می‌گفت شاید من لیاقتش را ندارم که خدا من را پیش خود نمی‌خواند. اما عملیات مرصاد قرار عاشقی دیگری بود.

شهید سعید صفاری سن و سال زیادی نداشت وقتی اولین بار پای به جبهه گذاشت. جوان عاشق انقلاب و اسلام و امام که سختی‌های راه را می‌دانست و برای پیمودن این مسیر هر مشکلی را به جان می‌خرد. شهید صفاری متولد ۱۳۴۵ بود و اولین بار در سال ۱۳۶۳ برای شرکت در عملیات والفجریک قدم در جبهه گذاشت‌واز ناحیه سینه طرف راست مورد اصابت گلوله قرار گرفت و مجروح شد. اگر هم‌زمانش او را کمی دیرتر پیدا می‌کردند شهید صفاری در همان اولین عملیات به شهادت می‌رسید. پیکر غرق به خونش در شیاری افتاده بود و هم‌زمانش سپس از یک روز بدن نیمه جان‌ش را پیدا کردند و به عقب آوردند. پس از بهبودی حال، شهید صفاری دوباره عازم جبهه شد و این بار در عملیات‌های خیر و بدر شرکت کرد و در عملیات بزرگ والفجر ۸ (فاو) مجروح شیمیایی شد. دوباره به تهران بازگشت و تحت درمان قرار گرفت. برادر شهید صفاری در جبهه شهید شده



شهید بهروز پازوکی و هم‌زمانش بدون تعلل خودشان را به جبهه رساندند. رزمندگان هشت‌سال مقابل دشمن یعنی با حمایت‌های تمام عیار شرق و غرب ایستادگی کردند و منافقین هم در مقابل قدرت، شجاعت و اراده آنها محکوم به شکست بودند. شهید بهروز پازوکی با اینکه در پایش پلاتین بود، عصابه دست خودش را جلوتر از همه به جبهه رساند. او این بار مشتاق‌تر از همیشه در جبهه حاضر شد. غوغایی در درونش بود و هیچ‌کس حالش را درک نمی‌کرد. احساس در وجودش زبانه می‌کشید و پیمای در گوشش نجوا می‌کرد که خبری در راه است؛ خبری شیرین که پایانی بر انتظار هایش خواهد بود. شهید پازوکی خیلی سریع برای شناسایی عازم شد و از بین افرادی که در آن عملیات شرکت داشتند مقام اولین شهید عملیات مرصاد را به خود اختصاص داد. این معلم شجاع ششم مرداد ۱۳۶۷، در اسلام‌آباد کرد توسط نیروهای سازمان مجاهدان خلق (منافقین) بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید. در وصیت‌نامه‌اش تأکید کرده بود: «نام مرا گمنام بناریدو او‌راه مر در بین مردم بلند نکنید.»

شهید سعید صفاری در عملیات بیت‌المقدس ۲ بدن خسته‌اش بار دیگر مجروح حتی بر داشت و این بار دلشکسته‌تر از همیشه از اینکه چرا خدا او را پیش خود نمی‌خواند بسیار ناراحت بود. صفاری تنها یک خواسته از خدا داشت و آن هم شهادت بود. گاهی به دوستانش می‌گفت شاید من لیاقتش را ندارم که خدا من را پیش خود نمی‌خواند. اما عملیات مرصاد قرار عاشقی دیگری بود.

کمال با اصرار و پیگیری‌های زیاد در چند عملیات شرکت کرده بود اما به توصیه مسئولان مدرسه، هیچ وقت به او اجازه حضور در خط مقدم را نمی‌دادند. اینطور بود که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود. او پایان جنگ، برای او مسأوی با یک اندوه بزرگ بود. او فکر می‌کرد با پایان جنگ باخت خیلی بزرگی را در زندگی متحمل شده‌است. اما عملیات مرصاد فرصتی تازه برای کمال بود. او با اصرار زیاد خود را به غرب کشور رساند. کمال در گرمای طاقت‌فرسای تابستان دیگران رزمندگان را به مقاومت و نبرد تشویق می‌کرد. او به نیروها می‌گفت: «ما امروز با این تشنگی و گرسنگی، با امام حسین (ع) هم‌دردی می‌کنیم. شما امام حسین (ع) را نمی‌شناسید؟ امام و شهید به‌همین حالت زخمی و شهید شدند. من امروز امام حسین (ع) را شناختم.» جملاتش آنقدر تأثیر‌گذار بود که سکوت در میان جمع برقرار شد. حرف‌هایش که تمام شد، با ناراحتی بلند شد و چند قدمی از جمع فاصله گرفت. هنوز چند متری دور نشده بود که با اصابت چند گلوله روی زمین افتاد و به آرزویش رسید. نام و یاد شهید کورسل در پنجم مرداد ۱۳۶۷ در جریان عملیات مرصاد برای همیشه ماندگار و جاودان شد.

طراحی:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۹۸۵

از راست به چپ

۱- محکم نظامی - تیمی در لالیگای اسپانیا ■ ۲- ممارست - دام صیاد- تفتیش و تفحص ■ ۳- تاکسی پرطرفیت- واحد اندازه گیری توان- حرکات نمایشی رزمی ■ ۴- همراه بستان- میوه تلفنی - عضو پرواز برنده- کمان ■ ۵- داخل شدن - لانه پرنده- دودکش آشپزخانه- خدای درویش ■ ۶- از جزایر خلیج فارس - به فرموده امام حسن نعمتی است که به آن حسادت نمی‌شود ■ ۷- پاشنه‌اش ضرب‌المثل ضربه‌پذیری است- پرهیز گاری - کلمه تأیید خارجی ■ ۸- چاپارخانه- سگ بیمار- جایگاهی در جهنم- دریل ■ ۹- پول واحد اروپایی - گل باز نشده- روشن‌ترین ستاره صورت فلکی سفینه ■ ۱۰- بیماری روحی - راه فرار ■ ۱۱- گفت‌وگوی خودمانی- چاق- زبان تایلمندی - کاشف اسپرین ■ ۱۲- خطای ورزشی- گوسفند جنگی - سود حرام- نوعی بستنی ■ ۱۳- شهر هلن- اثر مورس مترلینگ- رطوبت خسیس ■ ۱۴- دفتر محاسبات دیوانی - جراحت- دارویی قدیمی برای درمان آلزایمر ■ ۱۵- بیماری نرمی استخوان- حق شناس و نمک به حرام

از بالا به پایین

۱- خودروی شرکت واحد- مقدمه کتاب ■ ۲- جانور نسوز- نوشته قدیمی - نامی پسرانه ■ ۳- خیس - از شاهان سلسله ماد- نان نازک ■ ۴- آقای گل رقابت‌های یورو ۲۰۰۸ - چینه دیوار- همداستان رامین- جواب مثبت ■ ۵- خیرگزاری ایتالیا- تقویت رادیویی- افسانه- چاق انگلیسی ■ ۶- قطعه سیمانی- غنیمت شمردن ■ ۷- آخرین غزوات پیامبر - شایع‌ترین اختلال کروموزمی در انسان- مسابقه دوچرخه‌سواری ■ ۸- مخفف الی آخر- مدارا کردن - پارچهٔ نخی نازک گل‌دار- چرک و کثافت ■ ۹- بخشنده- بخش مهمی از دستگاه گوارش- زیرک ■ ۱۰- اسب نجیب - پارچه قیمتی ■ ۱۱- نماد روشنائی - دشتی در ایران - شکستن - اشاره به دور ■ ۱۲- کشیدنی مضر در زندگی دیگریان - قله زاگرس - زعفران - سیلاب ■ ۱۳- کاغذفروش- روزنامه چاپ زاین- منقار کوبه ■ ۱۴- خستگی ناپذیر- اسب پدک- خطیب ■ ۱۵- مسجد معروف استانبول - گل پامچال

			۵		
		۸		۱	۴
		۸		۶	۹
		۷		۲	
		۶		۵	۹
				۴	۳
		۶		۵	
		۱		۲	۶
				۸	۱

جدول سودوکو

ارقام ۹تا۹راطوری قرار دهیدکه

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک‌سه‌درسه فقط یک‌بار به کارورند

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۵۹۸۴

ب	و	د	ا	ز	ی	ا	۷	۸	۱	س	ا
۱	۷	ا	ب	د	و	س	ا	۷	۱	۸	ب
۳	د	ا	۸	ب	۱	۷	و	۷	ا	د	س
۵	۱	۷	۸	۳	ا	۷	ب	۷	ا	۸	د
۷	ا	۳	۷	ب	۱	۷	د	۱	۸	۷	ا
۸	۷	ا	ب	۱	۷	د	۱	۷	ا	۸	ب
۱	۷	ا	ب	۱	۷	د	۱	۷	ا	۸	ب
۷	ا	۳	۷	ب	۱	۷	د	۱	۷	ا	۸
۱	۷	ا	ب	۱	۷	د	۱	۷	ا	۸	ب
۱	۷	ا	ب	۱	۷	د	۱	۷	ا	۸	ب
۷	ا	۳	۷	ب	۱	۷	د	۱	۷	ا	۸